

LECTURES CLE EN FRANÇAIS FACILE

خواندن متون فرانسه ساده

# LE ROMAN DE LA MOMIE

## داستان مومیایی

THÉOPHILE GAUTIER

تئوفیل گوتیه

مترجم: فریبا عزیزی

Adapté en français facile  
par Brigitte Faucard-Martinez

ویراستار علمی: فرناز ساسانی  
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



**VesalBookshop.com**

سرشناسه	:	گوتیه، تنوفیل، ۱۸۱۱-۱۸۷۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Gautier, Theophile
مشخصات نشر	:	داستان مومیایی/ اثر تنوفیل گوتیه ؛ مترجم فریبا عزیزی.
مشخصات ظاهری	:	تهران: کتابسرای وصال، ۱۳۹۸.
شابک	:	۱۲۰ص: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	:	۲۰۰۰ریال 9-17-6454-622-978 :
یادداشت	:	فیبا
موضوع	:	عنوان اصلی: Le roman de la momie, 1873.
موضوع	:	داستان‌های فرانسه -- قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده	:	French fiction -- 19th century
رده بندی کنگره	:	عزیزی، فریبا، ۱۳۶۲-، مترجم
رده بندی دیویی	:	۱۳۹۸ ۵۲/۰۷۲۴۲۰ PQ۲۴۲۰
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۳/۸
	:	۵۶۱۷۸۷۵



VesalBookshop.com

عنوان: داستان مومیایی

عنوان فرانسه: LE ROMAN DE LA MOMIE

نویسنده: تنوفیل گوتیه

مترجم: فریبا عزیزی

قطع کتاب: رقعی

ناشر: کتابسرای وصال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۴-۱۷-۹

«حق چاپ محفوظ است» هرگونه کپی برداری به صورت چاپی یا انتشار در فضای مجازی کاملاً ممنوع است.

مرکز بخش: فروشگاه انتشارات کتابسرای وصال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۹

خرید آنلاین VesalBookshop.com

شماره های تماس: ۰۲۱۶۶۹۶۸۲۲۳-۶۶۹۵۴۶۴۸



THÉOPHILE GAUTIER naît à Tarbes le 30 août 1811. En 1814, il part vivre avec sa famille à Paris et entre, en 1822, au collège Louis-le-Grand. Il ne finit pas ses études de philosophie et se consacre à la peinture, qu'il abandonne bientôt pour la littérature.

Ses œuvres les plus célèbres sont : *Les Jeunes-France* (1833), *Mademoiselle de Maupin* (1836), *Les Grotesques* (1844), *Le Roman de la momie* (1858) et *Le Capitaine Fracasse* (1863).

Il meurt à Neuilly-sur-Seine en 1872.

\* \* \*

À l'époque où vit Théophile Gautier, on ressent, dans les milieux artistiques, une véritable attirance pour l'Orient. Gautier, comme ses contemporains, aime et idéalise ces pays lointains et plus particulièrement l'Égypte, qu'il découvre vers la fin de sa vie (1869).

تنوفیل گوتیه در ۳۰ اوت ۱۸۱۱ در شهر تَرِب چشم بر جهان گشود. در سال ۱۸۱۴، به همراه خانواده‌اش برای اقامت به پاریس می‌رود و در سال ۱۸۲۲، وارد کالج لوئی - لو - گران می‌شود. تحصیلاتش در رشته فلسفه را به پایان نمی‌رساند و وقت خود را صرف نقاشی می‌کند که آنرا نیز خیلی زود به خاطر ادبیات ترک می‌کند.

آثار بسیار مشهور او عبارتند از: *جوانان فرانسه* (۱۸۳۳)، *مادموازل دو موپن* (۱۸۳۶)، *مضحک‌ها* (۱۸۴۴)، *دستان مومیایی* (۱۸۵۸) و *کاپیتان فارکاس* (۱۸۶۳).

در سال ۱۸۷۲ در نویی - سور - سِن چشم از جهان می‌بندد.

\*\*\*

در دورانی که تنوفیل گوتیه زندگی می‌کند، جاذبه‌ی زیادی برای مشرق زمین در محافل هنری احساس می‌شود. گوتیه همانند معاصرین عصر خود، این کشورهای دور دست را دوست دارد و ارج می‌نهد به ویژه مصر را که در اواخر عمرش (۱۸۶۹) کشف می‌کند.

Pour écrire *Le Roman de la momie*, il consulte donc un grand nombre d'ouvrages sur l'Égypte ancienne, entre autres *Lettres écrites d'Égypte et de Nubie* de Jean-François Champollion<sup>1</sup>, qui lui permet de trouver le nom de son héroïne, Tahoser.

Théophile Gautier est un des principaux poètes parnassiens de la seconde moitié du XIX<sup>e</sup> siècle. Les Parnassiens – leur nom vient du *Parnasse contemporain*, premier livre de poésie qu'ils publient – sont des poètes qui, par réaction contre le romantisme, créent une poésie réaliste dans laquelle aucun sentiment, aucune émotion de l'auteur ne peut intervenir. C'est la théorie de « l'art pour l'art », que proclame Théophile Gautier lui-même.

*Le Roman de la momie*, œuvre pleine de poésie, est un parfait exemple du désir de Théophile Gautier

Les mots ou expressions suivis d'un astérisque\* dans le texte sont expliqués dans le Vocabulaire page 55.

---

1. J.-F. Champollion : égyptologue\* français. Ses découvertes ont permis de déchiffrer les hiéroglyphes\*.

برای نوشتن *داستان مومیایی*، از آثار بسیار زیادی در مورد مصر باستان استفاده می‌کند، از جمله *نامه های نوشته شده از مصر و نوبه اثر ژان فرانسوا شامپولین گمک* می‌گیرد که به او اجازه می‌دهد نام قهرمان زنش، تاهوزر را پیدا کند.

تئوفیل گوتیه یکی از شاعران اصلی مکتب پارناس نیمه دوم قرن نوزده است. پیروان پارناس - نامشان از *پارناس معاصر* گرفته شده که اولین کتاب شعری است که آنها منتشر می‌کنند - شاعرانی هستند که در واکنش مقابل رمانتیسزم، شعری واقع‌گرا می‌آفرینند که در آن هیچ‌گونه احساس، هیچ‌گونه هیجان نویسنده نمی‌تواند دخالت کند. این تئوری «هنر برای هنر» است که تئوفیل گوتیه خود وجود آن را اعلام می‌کند.

*داستان مومیایی*، اثری منظوم، مثال خوبی از گرایش تئوفیل گوتیه است.

VesalBookshop.com

کلمات و عباراتی که به همراه علامت ستاره\* در متن می‌آیند، در صفحه ۵۵ واژگان توضیح داده شده‌اند.

<sup>۱</sup> مصر شناس فرانسوی. کشفیات او باعث رمزگشایی زبان هیروگلیف شد.



— **J'**AI L'IMPRESSION que nous trouverons dans la Vallée des Rois\* un tombeau inviolé<sup>1</sup>, dit un homme un peu chauve à un jeune Anglais d'aspect noble.

— J'espère qu'Osiris\* vous entendra, répond le jeune homme.

— Un tombeau dans lequel personne n'est entré et qui nous offrira ses richesses et son mystère.

Cette conversation a lieu près du Nil, à l'entrée de la Vallée des Rois, entre Lord Evandale et le docteur Rumphius. Le bateau qui a amené les deux voyageurs et qui leur sert de logement est resté de l'autre côté du Nil. Après avoir visité les magnifiques ruines de Thèbes, les voyageurs ont traversé le fleuve et se dirigent maintenant vers la chaîne de montagnes où se trouvent les tombeaux des anciens rois.

Lord Evandale est un de ces jeunes Anglais parfaits sur tous les points. Ayant hérité une grande fortune, il aime de temps en temps faire un beau voyage. L'année d'avant, il a visité l'Islande ; cette année, il a choisi l'Égypte et a emmené avec lui le professeur Rumphius, célèbre égyptologue.

---

1. Inviolé : qui n'a jamais été ouvert.



- گویی به دلم الهام شده است که در دره‌ی شاهان، مقبره‌ی دست نخورده‌ای خواهیم یافت. این جمله را مردی کمی طاس خطاب به یک جوان انگلیسی با ظاهری متشخص می‌گوید.

مرد جوان پاسخ می‌دهد:

- امیدوارم که اُزیریس\* صدایتان را خواهد شنید.

- مقبره‌ای که کسی وارد آن نشده است و ثروت و اسرارش را تقدیم

ما خواهد کرد.

این گفت و گو در نزدیکی رود نیل، در ورودی دره‌ی شاهان، میان لُرد اِواندَل و دکتر رومفیوس صورت می‌گیرد. قایقی که این دو مسافر را آورده است، به عنوان اقامتگاهشان به کار می‌رود و در طرف دیگر رود نیل جای گرفته است. پس از بازدید ویرانه‌های باشکوه شهر تب، مسافران از رود عبور می‌کنند و اکنون به سمت رشته کوه‌هایی رهسپار می‌شوند که مقبره‌های شاهان قدیمی در آنجا یافت می‌شود.

لُرد اِواندَل یکی از این جوانان انگلیسی از هر لحاظ بی نقص است. بخاطر ثروت بی‌کرانی که به ارث برده است، دوست دارد گه‌گاه به سفر برود. سال گذشته از ایسلند دیدن کرد؛ امسال، مصر را انتخاب کرده است و به همراه خود پروفیسور رومفیوس مصرشناس مشهور را آورده است.

Le lord et le docteur avancent en bavardant vers les rochers où se trouvent les tombeaux des anciens rois de Thèbes, lorsqu'un nouveau personnage fait son apparition. Il vient se placer devant les voyageurs et les salue.

Cet homme, qui est entrepreneur de fouilles<sup>1</sup>, est grec. Il observe depuis longtemps le bateau de Lord Evandale et il a tout de suite compris qu'il appartient à un riche voyageur. Il espère donc faire de bonnes affaires.

Il cherche depuis quelque temps l'occasion de parler avec le lord et la trouve enfin.

– Votre Seigneurie<sup>2</sup> a-t-elle l'intention de faire des recherches ? demande le Grec. Je peux mettre à votre disposition une centaine de fellahs\* qui travailleront dur pour vous satisfaire. Nous pourrions essayer, si Votre Seigneurie accepte, de déblayer<sup>3</sup> un sphinx\* caché, d'ouvrir un hypogée<sup>4</sup>...

Voyant que le lord ne bouge pas et que le savant se contente de sourire, Argyropoulos (c'est le nom du Grec) comprend qu'il n'a pas affaire à n'importe qui, et il décide de changer de tactique avec les voyageurs.

– Je vois que vous êtes des savants et non de simples voyageurs. Je vais vous montrer un tombeau dans lequel personne n'est entré. Je suis seul

---

1. Entrepreneur de fouilles : homme qui dirige les travaux réalisés dans le but de trouver des objets appartenant aux anciennes civilisations.

2. Seigneurie : on dit Votre Seigneurie quand on parle à un noble.

3. Déblayer : dégager, retirer la terre qui couvre un objet.

4. Hypogée : tombeau qui est sous terre.

لُرد و دکتر در حال گفت‌وگو به سمت صخره‌هایی پیش می‌روند که مقبره‌های شاهان قدیمی شهر تب آنجا یافت می‌شوند، هنگامی که شخص دیگری ظاهر می‌شود. در مقابل مسافران می‌ایستد و به آنها سلام می‌کند. این مرد که پیمانکار حفاری است، یونانی است. از مدت‌ها قبل قایق لُرد اواندل را زیر نظر دارد و بلافاصله متوجه شد که به مسافر ثروتمندی تعلق دارد. بنابراین امیدوار است معامله خوبی ترتیب دهد. مدتی بود که دنبال فرصتی می‌گشت تا با لُرد صحبت کند و سرانجام آن را می‌یابد.

مرد یونانی می‌پرسد:

- عالیجناب آیا قصد دارند تحقیقاتی انجام دهند؟ می‌توانم صد تایی کارگر\* در اختیارتان قرار دهم که برای رضایت شما سخت کار خواهند کرد. اگر عالیجناب بپذیرند، ما سعی خواهیم کرد یک مجسمه‌ی ابوالهول\* مدفون شده را از زیر خاک در آوریم و به درون یک مقبره‌ی مخفی راهی پیدا کنیم...

آرگیرپوئس (نام مرد یونانی) با دیدن بی تفاوتی لُرد و اینکه دانشمند لبخند رضایتی نمی‌زند می‌فهمد که با افراد بی تجربه سروکار ندارد و تصمیم می‌گیرد روش خود با مسافرها را تغییر دهد.

- می‌بینم که دانشمند هستید، نه مسافر معمولی. به شما مقبره‌ای نشان خواهم داد که تا کنون کسی در آن وارد نشده است. من تنها کسی هستم که مکان آن را می‌شناسم.